

زن و مرد جوانی به محله جدیدی اسباب‌کشی کردند. روز بعد ضمن صرف صبحانه، زن متوجه شد که همسایه‌اش درحال آویزان کردن رخت‌های شسته است و گفت:

لباس‌ها چندان تمیز نیست. انگار نمی‌داند چطور لباس بشوید. احتمالاً باید

پودر لباس‌شویی بهتری بخرد. همسرش نگاهی کرد اما چیزی نگفت. هربار که زن همسایه لباس‌های شسته‌اش را برای خشک شدن آویزان می‌کرد،

زن جوان همان حرف را تکرار می‌کرد تا اینکه حدود یک ماه بعد، روزی از دیدن

لباس‌های تمیز روی بند رخت تعجب کرد و به همسرش گفت: "یاد گرفته چطور لباس بشوید.. مانده‌ام که چه کسی

درست لباس شستن را یادش داده.. " مرد پاسخ داد: من امروز صبح زود بیدار شدم و پنجره‌هایمان را تمیز کردم زندگی

هم همینطور است. وقتی که رفتار دیگران را مشاهده می‌کنیم، آنچه می‌بینیم به درجه شفافیت پنجره‌ای که

از آن مشغول نگاه کردن هستیم بستگی دارد. قبل از هرگونه انتقادی، بد نیست توجه کنیم به اینکه خود در آن لحظه

چه ذهنیتی داریم و از خودمان بپرسیم که آیا آمادگی آن را داریم که به جای قضاوت کردن فردی که می‌بینیم، در پی

دیدن جنبه‌های مثبت او باشیم؟ زندگی تاس خوب آوردن نیست، تاس بد را خوب بازی کردن

است